روزنه

توضیحات سخنگوی وزارت خارجه ایران درباره مرگ پناه‌جویان افغان در مرز مشترک

رد مسئولیت حادثه همراه با گلایه‌هایی محترمانه

● درحالی‌که وزرای خارجه ایران و افغانستان توافق کردند هیئتی تشکیل داده تا در مورد پناه‌جویان کشته‌شده افغانستانی تحقیق کنند، سخنگوی وزارت خارجه ضمن ابراز تأثر بابت این حادثه به سؤالات مطرح‌شده در این مورد توضیحات مفصلی داده است. در ادامه، بخش‌های مهم این گفت‌وگوی مفصل که در سایت وزارت خارجه قرار گرفته به دلیل کمبود جا، خلاصه شده است.

● از اولین ساعاتی که برخی گزارش‌های خبری در رسانه‌های مختلف در این خصوص مطرح شد، بررسی سریع و دقیق حادثه در دستور کار نهادهای ذی‌ربط قرار گرفت... همه نهادهای مرتبط، به شمول بخش‌های سیاسی و مرزی در وزارت امور خارجه، نیروی انتظامی، وزارت کشور، وزارت اطلاعات و ستاد کل نیروهای مسلح بسیج شدند تا یک ارزیابی جامع در این خصوص به دست آید و حقایق روشن شود. روز دوشنبه جلسه‌ای در وزارت امور خارجه به همین منظور و با حضور نمایندگان مطلع تمام دستگاه‌های ذی‌ربط برگزار شد تا نسبت به این موضوع جمع‌بندی شود.

● اولا به لحاظ واقعیات عینی، بر اساس گزارش‌های تأییدشده که از مرزبانی جمهوری اسلامی ایران دریافت شده است، در تاریخ موردنظر و در محدوده ادعایی نه‌تنها چنان واقعه‌ای رخ نداده و مواجهه‌ای از هیچ نوع میان نیروهای جمهوری اسلامی ایران با اتباع افغان رخ نداده... در آن زمان به دلیل شرایط خاص جوی در منطقه حتی هیچ‌گونه ورود اتباع افغان به خاک جمهوری اسلامی ایران ثبت نشده است.

● درعین‌حال ... مجددا به تمام دستگاه‌های ذی‌ربط دستورات لازم جهت بررسی دقیق و جامع موضوع صادر شد که نتیجه بررسی‌های تکمیلی سایر دستگاه‌ها نیز مؤید گزارش مرزبانی بوده و وقوع حادثه و دخالت ادعایی را به طور کامل رد کرده است. اصولا در ماه‌های اخیر، با توجه به شیوع بیماری کرونا ... بر اساس دستورهای ابلاغ‌شده مرزبانی، ایران هیچ اردوگاهی در مناطق مرزی به صورت دایر ندارد و هرگونه ادعایی از قبیل انتقال اتباع افغان به اردوگاه یا اجبار آنها به کار اجباری و مانند آن از ریشه غلط و دروغ است...

● پدیده‌ای که در سه سال اخیر در مرزهای مشترک ایران و افغانستان با آن مواجه بوده‌ایم، تخلیه پاسگاه‌های مرزی در طرف افغانستان بوده است. در سه سال اخیر ظاهرا به‌خاطر تهدیدات ناشی از حضور داعش و طالبان در آن منطقه، نیروهای افغان لااقل ۵۴ پاسگاه مرزی افغانستان ... را تخلیه کرده‌اند و این مناطق مرزی همجوارِ خاک جمهوری اسلامی ایران کاملا در اختیار نیروهای تروریستی قرار دارد. ... این امر ضمن ایجاد ناامنی در مرزهای ما، باعث شده که این مناطق جولانگاه گروه‌های تروریستی و قاچاقچیان شود... بر اساس قرارداد انتظامات مرزی میان دو کشور، دولت افغانستان موظف است با استقرار نیروهای سرحدی خود در طول مرز مشترک نسبت به تأمین امنیت و کنترل مرزهای خود اقدام کند. دولت جمهوری اسلامی ایران بارها به صورت رسمی به این رفتار دولت افغانستان اعتراض کرده است.

● مسئله دیگری که به لحاظ حقوقی و فنی درخصوص حادثه باید مورد توجه قرار بگیرد این است که برای رسیدگی به این قبیل حوادث ادعایی، از دهه‌ها پیش یک سازوکار مورد توافق، رسمی، سریع و کارآمد میان دو طرف برقرار است که می‌توانست از لحظات ابتدایی این مسئله مورد استفاده طرف افغان قرار گیرد... اما متأسفانه مغفول ماند. بر اساس ترتیبات مندرج در ماده ۵ «قرارداد انتظامات مرزی ایران و افغانستان» (قرارداد کمیساران سرحدی بین ایران و افغانستان) که از قریب به هفت دهه گذشته؛ یعنی از سال ۱۳۳۵ شمسی میان دو کشور برقرار است، در صورت وقوع هرگونه حادثه در محدوده مرزی، بنا به درخواست هر یک از طرفین، مرزبانان دو طرف می‌توانند از محل حادثه بازدید کرده و نسبت به بررسی مشترک اقدام کنند. تا این تاریخ ... درخواستی از سوی مرزبانان افغان مستقر در منطقه به مرزبانان جمهوری اسلامی ایران جهت بررسی مشترک حادثه واصل نشده است. ... مرزبانان جمهوری اسلامی ایران برای شفاف‌سازی موضوع و از روی حسن‌نیت، طی دو نامه رسمی از مرزبان افغانستانی درخواست جلسه مشترک به منظور بررسی حادثه کرده‌اند که متأسفانه این درخواست‌های مرزبانی ایران که منطبق با رویه جاری میان دو طرف و مبتنی‌بر قرارداد انتظامات مرزی ۱۳۳۵ است، تا این لحظه بی‌پاسخ مانده. بااین‌حال، دولت جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصول حسن همجواری و با نیت انسان‌دوستانه کماکان آمادگی دارد علاوه‌بر تحقیقات جامع داخلی خود که نتایج آن در بالا اعلام شد، در چارچوب قرارداد انتظامات مرزی ۱۳۳۵ این حادثه را با طرف مقابل مورد بررسی مشترک قرار دهد.

● بر اساس گزارش‌هایی که دریافت کرده‌ایم، در این ایام رودخانه هریرود از جریان آب قابل‌توجهی برخوردار است و احتمال می‌رود این افراد چون به منطقه ناآشنا بوده و از شدت آب و عمق رودخانه بی‌خبر بوده‌اند وارد رودخانه شده و دچار حادثه شده باشند. احتمال دیگری که مطرح است اینکه این افراد در شاخه‌های فرعی هریرود در داخل خاک افغانستان گرفتار آب شده و در بخش مرزی هریرود از آب گرفته شده باشند؛ به‌خصوص که هیچ‌گونه جسدی از اتباع افغان در ساحل ایران مشاهده نشده که با توجه به وضعیت توپوگرافی رودخانه که شیب آن به سمت ایران است احتمال وقوع رویداد در هریرود را کم می‌کند.

ترامپ از مسئله ایران چه می‌خواهد؟

جنگِ بی‌جنگ با تهران

روح‌اله نخعی: در ماه‌هایی که اتاق بیضی کاخ سفید به محل کار دونالد ترامپ، تبدیل شده، یک سؤال همچنان جواب آشکاری ندارد: ترامپ از ایران چه می‌خواهد؟ نه مواضع آشکار رئیس‌جمهور بی‌سابقه آمریکا، نه گزارش‌های پشت‌پرده‌ای و درزکرده و نه اقدامات دولت فعلی، رویکرد و الگوی منسجمی در قبال ایران نشان نمی‌دهند. مذاکره و حرکت به سمت همزیستی، تغییر رفتار، تغییر رژیم و جنگ اگر به عنوان گزینه‌های پیش‌روی دولت آمریکا به عنوان دولتی درگیر دشمنی کلاسیک با ایران تعریف شوند، همه در دولت ترامپ با مانع‌تراشی مواجه شده‌اند. پیش‌تر در نوشته‌های مختلف، جسته‌وگریخته به این موانع پرداخته‌ایم.

مذاکره بر سر چه؟

از تحریم چندباره مقامات ایران شامل فرمانده کل قوا، تا حمله به کاروان یک فرمانده نظامی ایران و رفتارهای متعدد دیگر، همه موانعی جدی هم در راه گفت‌وگو بین دو کشور هستند و هم در مسیر این ارزیابی که دولت ترامپ مایل به چنین گفت‌وگویی است. خواسته‌های مطرح‌شده آمریکا فرسنگ‌ها آن سوی خط قرمزهای ایران هستند و البته بستری که برای رسیدن به فهم مشترک در دوره اوباما بنا شده بود نیز کنار زده شده است. اواخر دوره اوباما، بسیاری تصور می‌کردند موفقیت برجام شاید به این معنا باشد که ایران و آمریکا باز با حضور دیگر شرکا بتوانند درباره دیگر مسائل نیز بر سر میز بنشینند و به نقطه دست‌یافتنی در برایند حداقل‌ها برسند. وقتی ترامپ زیر میز بازی زد، هم بسترهای ایجادشده را تخریب کرد و هم هزینه سیاسی هر گونه حرکت به سمت گفت‌وگوی دوباره با واشنگتن را در ایران به طرزی تحمل‌ناپذیر بالا برد.

هزینه‌تراشی حداکثری و گزینه‌های علی‌السویه

گزینه بعدی، یعنی تغییر رفتار با استفاده از اعمال فشار یا امتیازدهی نیز به عنوان رویکرد دولت ترامپ قابل رصد نیست. دولت ترامپ، بیش از آنکه ایران را متقاعد یا ناچار کند خواسته‌های خود را از طرقی دنبال کند که برای واشنگتن کمتر نامطلوب باشد، ایران را به سمت اتخاذ رویکردهایی که بیشتر برخلاف خواست‌های ایالات متحده است، هل داده و حتی ناچار کرده است. با «فشار حداکثری» عملا همه هزینه‌های ممکن به ایران تحمیل شده است و از این رو ایران می‌تواند خالص‌ترین شکل برنامه‌هایش را دنبال کند، چه اینکه فشار بالاتری برای پرهیز و محاسبه ممکن نیست.

احراز از عادت قدیمی

با حذف این دو گزینه به نظر می‌رسد خواست نهایی آمریکا تغییر رژیم ایران باشد اما این خواست نیز پی گرفته نشده است. گروه‌های مخالف حکومت ایران، البته در دولت ترامپ بالاترین میزان حمایت و نفوذ را یافته‌اند با این اوصاف هیچ‌کدام از گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی از سوی ترامپ، به مفهوم واقعی کلمه «جدی» گرفته نشده‌اند. بخشی از این موضوع، البته به کیفیت این نیروها نیز برمی‌گردد. تاریخ ایران و جهان نشان داده است رفتار آمریکا وقتی خواستار تغییر رژیم در کشوری باشد، به چه شکل است و امروز آن رفتار دیده نمی‌شود.

رژه تا مرز جنگ

نشانه‌های گریزان‌بودن ترامپ از جنگ در تقابل‌های نظامی‌تر با ایران نیز دیده می‌شود. در دوران ترامپ، در چند مرحله خوش‌بین‌ترین تحلیلگران نیز زنگ‌های آغاز جنگ را شنیدند اما در نهایت، شخص ترامپ تصمیم به پرهیز گرفت. حمله به کاروان فرمانده نیروهای قدس از نگاه بسیاری نه علت که نشانه تصمیم به جنگ دیده شد اما پس از واکنش ایران با حمله به پایگاه نظامی آمریکا در عراق، ترامپ تا مرز انکار جراحت‌ها رفت و ماجرا را فیصله‌یافته خواند. ترامپ یک‌یک بهانه‌های شروع جنگ را پس زده است تا نشان دهد همچنان حاضر به روشن‌کردن ماشین جنگ نیست.

ترامپ از مسئله ایران چه می‌خواهد؟

اما سؤال قابل پاسخ دیگری نیز وجود دارد: ترامپ با موضوع ایران چه کار دارد؟ در واقع، به عنوان یک سوژه سیاسی ترامپ چه خواسته‌ای در این زمینه دارد و به طور خاص، در آخرین پروژه کلیدخورده‌اش با تلاش برای تمدید تحریم‌های تسلیحاتی ایران، دولت او چه هدفی را دنبال می‌کند؟ پاسخ این سؤال، البته تا حدی به چالش‌های سیاسی درونی آمریکا برمی‌گردد اما تا آنجایی که به ایران مربوط است، به نظر می‌رسد دولت ترامپ، سه هدف مرحله به مرحله را دنبال می‌کند.

دوربرگردان در راه تهران

لغو تحریم‌های تسلیحاتی ایران طبق قطع‌نامه سازمان ملل متحد، از معدود منافع باقی‌مانده برای ایران در برجام است. برجام را از زاویه‌ای می‌توان شامل دو بخش دانست: بخش اول، حرکت به سمت روابط اقتصادی عادی ایران با دنیا و بخش دوم، بازکردن گره‌های چنددهه‌ای از دستان ایران در مسائل دفاعی و البته هسته‌ای. فشار حداکثری و خروج از برجام، بخش اول را بلاموضوع کرده است. با نگاهی بدبینانه می‌توان این‌طور ارزیابی کرد که به لحاظ امکان تعاملات اقتصادی، ایران از دوران پیش از برجام نیز محدودتر است. شاید به این دلیل که فشارهای اعمال‌شده بر ایران در آن دوران، وسیله بودند و نه هدف.

بخش دوم اما همچنان در حال پیگیری است و می‌توان ادعا کرد به شکلی مطلوب‌تر برای برخی نیروهای ایران پیش می‌رود. ایران تمام محدودیت‌های هسته‌ای خود را این بار نه در نتیجه فقدان توافق که با استناد به یک توافق کنار گذاشته است و در شرایط فعلی، بازه‌های زمانی رفع محدودیت‌های هسته‌ای برای ایران بیشتر مفهوم اداری دارند تا عملی. در بحث دفاعی، شرایط فعلی، در حال حاضر در حال حرکت به سمت ایران است. از پاییز امسال، اولین قدم در راه حضور ایران مثل کشوری عادی در بازار تسلیحات جهانی برداشته می‌شود و در سال‌های آینده محدودیت‌های خرید و فروش سلاح برای ایران یکی‌یکی برداشته می‌شوند. خواست غایی ایران البته اجرای تمام و کمال برجام از سوی دو طرف است اما اگر آن گزینه چنان‌که در دولت ترامپ دیده می‌شود دور از دسترس بماند، تهران ناراضی هم نخواهد بود اگر همین ترکیب فعلی برجام به همین شکل بماند تا در سال‌های آینده هم برنامه هسته‌ای و هم برنامه دفاعی ایران، به شکلی شبیه‌تر به خواسته‌هایش اجرائی شوند.آنچه ترامپ می‌خواهد، توقف این مسیر عادی‌سازی است و البته در این زمینه هدف او، مشابه هدف اکثریت قریب به اتفاق نیروهای جمهوری‌خواه و بخش قابل‌توجهی از دموکرات‌ها از جمله جناحی است که هیلاری کلینتون، نامزد ۲۰۱۶ این حزب را در خود می‌بیند. عوض‌کردن شرایط موجود همواره از تغییر آن سخت‌تر است. همان‌طور که لغو برنامه خدمات درمانی اوباما پس از تبدیلش به قانون، چالشی پردردسر برای جمهوری‌خواهان بوده است، بازگرداندن ایران به وضعیت پیشین پس از لغو تحریم‌ها در سازمان ملل متحد، تلاش بیشتری می‌خواهد تا جلوگیری از این تغییر، پیش از رخدادش.

هل‌دادن ایران از پای میز

برخی ناظران این مسئله را هدف واقعی ترامپ از این همه اقدامات سیاسی‌اش در قبال ایران می‌دانند: اقناع ایران به رهاکردن هرگونه تصویر از گفت‌وگو و مذاکره با آمریکا و حتی با متحدان غربی‌اش. ترامپ می‌خواهد ایران از برجام دست بکشد، گفت‌وگو و تعامل را کنار بگذارد و رویکردی تماما تهاجمی و چالشی را در پیش بگیرد. چنین اقدامی از طرفی متحدان اروپایی واشنگتن را ملزم به تقابل تمام‌عیار یا در واقع بازگشت به تعامل تمام‌عیار می‌کند؛ چشم‌انداز شکل‌گیری گفت‌وگویی دوباره را از بین می‌برد؛ ادامه تعامل و همراهی با تهران و حمایت از او را برای روسیه و چین سخت‌تر و نامطلوب‌تر می‌کند و البته آمریکا را دوباره در جایگاهی قرار می‌دهد که مطلوب غایی جمهوری‌خواهان است: تصمیم‌گیرنده مستقل درباره تمامی مسائل جهانی و نه آن‌طور که برخی دموکرات‌ها ترجیح می‌دهند؛ بازیگری قدرتمند، شاید قدرتمندترین بازیگر در صحنه‌ای چندجانبه با قوانین و ساختارهایی بین‌المللی و با اتکا بر نهادها، توافقات و قواعد نانوشته چندجانبه‌ای که البته باز در سایه ترجیحات واشنگتن تنظیم شده‌اند. مشکل اصلی جمهوری‌خواهان با رویکرد دیپلماتیک اوباما همین بود؛ رویکردی که در آن، سالیان سال تقابل مطلق با کوبا بی‌فایده خوانده شده و مرحله‌به‌مرحله به سمت تعاملی متفاوت می‌رفت، تقابل کهنه جنگ سردی با روسیه به بایگانی سپرده شده و ورق تازه‌ای در روابط واشنگتن-مسکو زده می‌شد، رابطه با چین بازتعریف می‌شد، حمایت صددرصدی از تل‌آویو در خاورمیانه به اتحادی قدرتمند فروکاسته می‌شد، رفتار متحدان منطقه‌ای مانند عربستان سعودی با ترجیحات کلی واشنگتن و نه با ترجیحات منطقه‌ای ریاض تنظیم می‌شد و ایران و احتمالا در مرحله بعدی کره شمالی، به سمت تغییر جایگاه، از دشمن قدیمی و پیش‌بینی‌ناپذیر به سمت بازیگری البته همچنان دردسرساز و مخالف، هل داده می‌شدند. جمهوری‌خواهان همان رویکردی را در قبال صحنه جهانی می‌پسندیدند که پیش‌تر از نقاط توافق دو حزب بود. همان رویکردی که در آن آمریکا از معدود کشورهایی بود که توافقات مختلف جهانی در زمینه‌های غیرسیاسی را امضا نمی‌کرد تا در تصمیم‌گیری‌هایش به چیزی خارجی متعهد نباشد.

تهرانی که مکالمه نمی‌کند

هدف بعدی، محروم‌کردن ایران از همه منافع رویکردهای غیرتهاجمی است، تا تهران کشیدن شمشیر را کم‌هزینه و کم‌هزینه‌تر ببیند و با دست به اسلحه شدن، ایران برای جریان غرب به عنوان یک دشمن مسلح و برای جریان شرق به عنوان بازیگری خطرساز و تعامل‌ناپذیر تعریف شود. تقابل با ایرانی که عضو هیچ توافقی نباشد، سر هیچ میز مذاکره منطقه‌ای و جهانی ننشسته باشد، تریبون و انگیزه‌ای برای تبیین مواضع در عرصه بین‌المللی نداشته باشد، وزیر خارجه لبخندبرلبی نداشته باشد که به انگلیسی و عربی با رسانه‌های جهان مصاحبه کند، یک طرف مذاکرات صلح در چالش‌های عربستان، یمن، افغانستان و... نباشد، سایه سنگین خود در عراق را از دست داده باشد و به طور کلی، طرف گفت‌وگو نباشد، بسیار راحت‌تر است و اگر هدف نهایی، تقابل با ایران و بلکه حذف آن به عنوان بازیگری مؤثر به جای حل مسئله با قدرتی قدیمی در خاورمیانه باشد، این الگو مطلوب‌تر است، اگر اجراکننده آن حاضر به پرداخت هزینه‌های آشکار و پنهان، معلوم و پیش‌بینی‌ناپذیر، مستقیم و غیرمستقیم آن باشد.

بازی برجامی ترامپ در آستانه انتخابات چه مسیری را دنبال می‌کند

زمین سوخته برجامی برای دموکرات‌ها

شرق: از روز ورود رئیس‌جمهور به کاخ سفید، مسئله ایران به شکلی بی‌سابقه به سوژه یکی از اختلافات اصلی دو حزب بزرگ ایالات متحده تبدیل شد. جمهوری‌خواهان و اکثریت دموکرات‌ها البته درباره خیلی از مسائل مربوط به ایران هم‌نظرند. هر دو ایران را کشوری با رویکرد خلاف ترجیحات و منافع کشورشان می‌دانند، به آن اعتماد ندارند، رقبایش در منطقه را عمدتا ترجیح می‌دهند، ایران را خواهان دسترسی به سلاح هسته‌ای می‌دانند و در بسیاری مثال‌های دیگر، به‌طورکلی بدبینی‌ها و قضاوت‌های منفی مشترکی در قبال آن دارند. اما تفاوت کلی رویکرد بخش مهمی از دموکرات‌ها به سیاست خارجی که به‌خصوص در سال‌های اخیر و در دوران ریاست‌جمهوری باراک اوباما شکل گرفت، با رویکرد غالب در میان جمهوری‌خواهان که باز در سال‌های اخیر، تندتر و تندتر شده است، در موضوع ایران نمود خاصی یافته است. دموکرات‌ها از طرفی توافق هسته‌ای با ایران را از جمله میراث مهم آخرین رئیس‌جمهور حزبشان می‌دانند و حامی و مدافع آن بوده‌اند و از طرفی الگوی کلی منتهی به امضای برجام را الگوی مطلوب مدیریت مسائل سیاست خارجی می‌دانند و بلکه امیدوار بودند با ادامه حضور در قدرت بتوانند همین الگو را در قبال ایران ادامه داده و بلکه در مواجهه با کشورهای دیگری مثل کره شمالی، کوبا، روسیه و دیگران نیز به کار بگیرند. جمهوری‌خواهان اما در ادامه اعتراضات مداومشان در حین مذاکرات، پس از رسیدن به کاخ سفید با دونالد ترامپ، مخالفت با آن را ادامه و در نهایت به خروج از توافق رسیدند. اکنون نیز جمهوری‌خواهان ایده تازه‌ای برای خنثی‌کردن تمام‌عیار برجام به کار بسته‌اند و صدای انتقاد و اعتراض دموکرات‌ها بلند است.

اما ماجرای این چند هفته برجام و تمدید تحریم تسلیحاتی، جنبه‌ای در تقابل این دو حزب نیز دارد. دموکرات‌ها البته با ذات عدم لغو تحریم تسلیحاتی، حداقل در شرایط فعلی موافق و همراه‌اند، اما در شکل پیگیری آن اختلاف جدی با جمهوری‌خواهان دارند. آنچه وضعیت این روند را خاص می‌کند، نزدیکی انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکاست. درواقع زمان برگزاری انتخابات کمتر از یک ماه پس از موعد لغو این تحریم‌هاست. پروژه تازه وزارت خارجه دولت ترامپ در قبال ایران، از سه زاویه در رقابت انتخاباتی نقش‌آفرینی می‌کند.

غافلگیری اکتبر از ایران

در رقابت‌های انتخاباتی آمریکا عبارت «غافلگیری اکتبر» عبارت آشنایی است. انتخابات آمریکا در ماه نوامبر، اواسط پاییز برگزار می‌شود و موعد لغو تحریم‌ها در اکتبر؛ یعنی درست ماه قبل از آن است. در این رقابت‌ها بسیار پیش می‌آید که در این ماه، اغلب با برنامه‌ریزی کارزارها و گاهی با دست تقدیر، اتفاقی در اکتبر رخ می‌دهد که بازی را تکان می‌دهد و به واسطه نزدیکی زمانی، فرصت کافی برای واکنش مناسب به رقیب داده نمی‌شود. ماجرای تحریم تسلیحاتی ایران پتانسیل این را دارد که چنین نقشی را لااقل تا حدی ایفا کند.

اگر ترامپ به نحوی موفق شود از لغو تحریم‌های تسلیحاتی ایران جلوگیری کند، برگه خوبی در انتخابات دارد و لااقل از سوی بدنه ضدایرانی در حزب جمهوری‌خواه امتیاز بگیرد. علاوه‌براین چنین ماجرایی بهانه خوبی برای مقامات و چهره‌های جمهوری‌خواه خواهد شد تا روی آنتن و در سخن‌ها و توییت‌ها، زبان به تمجید از موفقیت رئیس‌جمهور باز کنند و به‌این‌ترتیب در آستانه انتخابات، به‌خصوص در شرایطی که حمایت از ترامپ برای بسیاری از آنها به‌خاطر مسائل مختلفی از جمله کرونا سخت می‌شود، از تمایز رویکرد دو نامزد بهره‌برداری کنند.

آتش به میراث اوباما

جو بایدن خود را کم‌وبیش ادامه‌دهنده راه اوباما می‌خواند. اگر چنان‌که برخی پیش‌بینی می‌کنند، تمدید تحریم تسلیحاتی باعث خروج ایران از برجام و برهم‌خوردن کامل این توافق شود، هم یکی از وعده‌ها و خواست‌های جمهوری‌خواهان محقق شده است و هم دستاورد مهم دولتی که جایگاه پیشین بایدن در آن بوده، در آستانه انتخابات بر باد می‌رود تا وعده‌های بایدن برای بازگشت به روند سابق در این زمینه نیز بی‌اثر شود.

بخشی از ماجرا نیز البته همین مسئله تخریب دستاورد اوباماست. برهم‌زدن آنچه از دولت اوباما برجای مانده؛ از توافق‌های بین‌المللی تا نهادهای سلامتی تا بخش‌نامه‌های مسکن، از اولویت‌های مهم دولت ترامپ بوده است؛ هم به دلایل رویکردهای تقابلی حزب جمهوری‌خواه و هم به دلیل شخصیت خاص رئیس‌جمهور فعلی. نابودکردن یکی از دستاوردهای مهم، اگر نه مهم‌ترین دستاورد دیپلماتیک دولت پیشین دموکرات، هم یکی از خواست‌های سیاسی واقعی جمهوری‌خواهان را برآورده می‌کند و هم می‌تواند باعث پمپاژ انگیزه‌ای دوباره به بدنه فعال حزب شود. به‌خصوص در دورانی که رقابت‌های ریاست‌جمهوری رقابت‌هایی اغلب نزدیک هستند و علاوه‌بر جلب نظر رأی‌دهنده‌های میانه و مردد، تهییج بدنه یا دلسردکردن آن می‌تواند تأثیر مهمی در نتیجه نهایی داشته باشد.

زمین سوخته برای بایدن

انگیزه نهایی این رویکرد را می‌توان در صحبت اخیر برایان هوک جست‌وجو کرد. در واکنش به مواضع منتقدانه جو بایدن در سالگرد خروج آمریکا از برجام و در سایه وعده‌های دموکرات‌ها مبنی‌بر بازگشت به برجام، مشاور وزیر خارجه آمریکا و رئیس گروه اقدام ایران در این نهاد گفت تا زمان انتخابات، برجامی نمی‌ماند که بایدن به آن بازگردد. این حرف، از جهتی نشانه همان هدف آمریکا در بیرون‌راندن ایران از برجام است، اما از طرف دیگر راهبرد زمین سوخته دولت ترامپ در قبال دولت احتمالی بعدی را نشان می‌دهد. این راهبرد بر این مبنا پیگیری می‌شود که اگر به فرض، در انتخابات جمهوری‌خواهان کاخ سفید را از دست دادند، بایدن وقتی به کاخ سفید می‌آید که از نتیجه تلاش‌های جان کری، وزیر خارجه اوباما در قبال ایران، چیزی باقی نمانده است و بلکه دو کشور وارد فازی تقابلی شده‌اند که دست بایدن را در پیگیری دوباره آن سیاست‌ها خواهد بست.

این از طرفی در راستای ضربه به حزب رقیب در فضای سیاست داخلی معنا می‌یابد، اما از طرف دیگر می‌توان آن را صرفا تلاش یک حزب برای ممانعت از پیگیری رویکردی نادرست توسط حزب رقیب دانست. با همان انگیزه‌ای که اوباما در مسائلی شامل همین بحث ایران، ریسک انتظار برای انتخابات را نکرد و در مجاورت کنگره جمهوری‌خواه، ماجرای برجام را خارج از پارلمان پیش برد تا نان برجام در سفره ترامپ گذاشته شود، اکنون جمهوری‌خواهان نیز ترجیح می‌دهند سیاست‌ها و خواست‌هایشان در قبال ایران به صرف یک باخت به سادگی بر باد نرود.

روی دیگر سکه

این ماجرا اما جنبه دیگری هم دارد و آن در حالت شکست این راهبرد است. اگر اکتبر بیاید و بند لغو تحریم تسلیحاتی برجام طبق قطع‌نامه ۲۲۳۱ اجرائی شود و ایران شروع به خرید سلاح کند، این شکست ضربه بدی به انگیزه‌های جمهوری‌خواهانی خواهد زد که ممکن است در آستانه انتخابات، پیش از آن هم اوضاع خوبی نداشته باشند. دموکرات‌ها چنان‌که اشاره شد، در وضعیت فعلی مخالف لغو تحریم تسلیحاتی هستند، در این حالت فریاد برخواهند آورد که فشار حداکثری ترامپ در نهایت باعث شد هم تعهدات هسته‌ای ایران کنار گذاشته شود و هم خرید سلاح ایران رخ دهد، بدون اینکه بستر گفت‌وگو و توافق و تبادل امتیاز وجود داشته باشد و در نتیجه به‌طورکلی این اتفاق به‌عنوان نماد نادرستی رویکرد ترامپ در این زمینه برجسته خواهد شد. بایدن نیز فرصت خواهد داشت به درستی رویکرد سلفش را تأکید و سینه ستبر کند.

علاوه‌براین، در صورتی که ترامپ بازنده انتخابات شود، شکل‌گیری چنین تصویری احتمالا کار بایدن را در چرخاندن فرمان و بازگشت به رویکرد پیشین نیز بازتر خواهد کرد، چراکه در نتیجه این اتفاق، عدم کارایی رویکرد تقابلی و فشار حداکثری، بدون جلب نظر و حمایت متحدان اروپایی و گفت‌وگو با رقبای شرقی، آشکار خواهد شد و این مجوز خوبی به بایدن برای ادامه راه اوباما و کری خواهد داد، با این استدلال که رویکرد جمهوری‌خواهان، از زاویه‌هایی که برای آمریکا اهمیت دارد، اثر معکوس داشته است، اگرچه اقتصاد ایران و روابطش با اروپایی‌ها و مسائل دیگر دچار چالش جدی شده است، در هدف غایی که بحث هسته‌ای و نظامی بوده، ایران به خواسته‌های مهم خود دست یافته است.

کوتاه از دیپلماسی

محمدجواد ظریف:

درباره جزئیات قضیه سفارت انگلیس طرفین باید مذاکره کنند

● **ایسنا:** وزیر امور خارجه کشورمان گفت: برای پرداخت غرامت در موضوع سفارتخانه انگلیس در ایران، طرفین باید مذاکره کنند و هنوز هیچ اقدامی در این ارتباط صورت نگرفته است. محمدجواد ظریف در جمع خبرنگاران در پاسخ به سؤالی مبنی‌بر اینکه طبق برخی اخبار، گویی ایران مجبور به پرداخت غرامت به سفارت انگلیس در پی اتفاقی که برای این سفارتخانه افتاد، شده، چنان‌که گفته می‌شود در جریان این اتفاق به برخی از آثار فرهنگی موجود در این سفارتخانه صدماتی وارد شده و برخی از نمایندگان مجلس نیز در این زمینه موضع‌گیری کرده‌اند؟ گفت: مقرراتی در حوزه بین‌الملل وجود دارد و دولت ایران هم اعلام کرده که حفظ و حراست از سفارتخانه‌های خارجی در ایران تعهد دولت جمهوری اسلامی ایران است و همه مقامات کشور نیز بر این نکته تأکید کرده‌اند. وی افزود: در مورد جزئیات باید طرفین مذاکره کنند و هنوز هیچ اقدامی صورت نگرفته است. ظریف همچنین در مورد انتشار برخی از اخبار در ارتباط با مذاکره با آمریکا، گفت: هیچ مذاکره‌ای با آمریکا در میان نیست، آمریکا نشان داده است که نمی‌توان به مذاکراتش اعتماد کرد، نمی‌توان به نتیجه مذاکرات با آنها اعتماد کرد و تقریبا همه دنیا به این نتیجه رسیده‌اند که هر توافقی که با آمریکا انجام دهند هر لحظه که آمریکایی‌ها بخواهند، آن توافق را نادیده می‌گیرند. وزیر امور خارجه کشورمان تأکید کرد: دولت کنونی آمریکا به‌جای بهانه‌تراشی باید به دنبال اصلاح رفتار خود باشد.

گفت‌وگوی پمپئو با وزیر خارجه سوئیس

● **ایسنا:** به گزارش روزنامه نشنال، مایک پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا، روز دوشنبه در تماسی تلفنی با ایگنازیو کاسیس، وزیر امور خارجه سوئیس، درباره بازگرداندن احتمالی شهروندان آمریکایی که در ایران زندانی هستند گفت‌وگو کرد. وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کرد: وزیر امور خارجه [آمریکا] از وزیر خارجه سوئیس بابت نقش مداوم و سازنده به‌عنوان حافظ منافع در ایران و کمک به بازگرداندن شهروندان آمریکایی از ایران و میانمار تشکر کرد. یک مقام آمریکایی به روزنامه نشنال گفته است که آزادسازی زندانیان آمریکایی «باید سریع و بدون شرط» انجام شود. این مقام یادشده درباره اینکه آیا پیشنهادی مطرح است یا مذاکرات ممکن است چه‌وقت اتفاق بیفتند، توضیحی نداد.

اظهارات مقام آمریکایی درباره آزادی زندانیان ایرانی

● **ایلنا:** به گزارش رویترز، کن کوچینلی، معاون دبیرکل امنیت ایالات متحده، در مورد زندانیان ایرانی مدعی شد: ما ۱۱ نفر از زندانیان شما را در اینجا داریم که سعی در بازگرداندن آنها به کشور شما داشتیم. شما ناگهان می‌گویید که می‌خواهید آنها را برگردانید، بنابراین چطور است یک هواپیمای چارتر بفرستید و ما همه ۱۱ نفر را یکباره بازخواهیم گرداند؟ وی مدعی شد: واشنگتن ماه‌ها تلاش کرده بود تا سیروس عسگری، استاد علوم ایرانی را که هنوز تحت بازداشت ایالات متحده است، بازگرداند، ولی تهران روند این کار را به تأخیر می‌اندازد. وی همچنین در توییتر خود نوشت: بعد از مدت‌ها تلاش آمریکا، ظریف اکنون از خواب بیدار شدی و می‌گویی ما می‌خواهیم شهروندانمان را به کشور بازگردانیم. ظریف تو کاری جز حرف‌زدن نمی‌کنی.

پاسخ موسوی به مقام آمریکایی:

مزخرف‌گویی را پایان دهید

● **ایسنا:** سخنگوی وزارت امور خارجه به اظهارات اخیر معاون وزارت امنیت داخلی آمریکا پاسخ داد. سیدعباس موسوی در توییتر نوشت: «مزخرف‌گویی را پایان دهید! از سپتامبر ۲۰۱۸، آقای دکتر ظریف، موضوع «تبادل سراسری زندانیان» را روی میز گذاشته‌اند و از آمریکا خواسته‌اند که در قبال ایرانیان گروگان در آمریکا و دیگر کشورها، مسئولانه اقدام کند. رژیم شما تاکنون با بی‌توجهی واکنش نشان داده و جان آنها را به خطر انداخته است. جهان به اقدام شما و نه حرفتان می‌نگرد. هموطنان ما را آزاد کنید!»

آگهی ابلاغ

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران

جناب آقای دکتر حسین جباری

عضو هیأت علمی دانشکده پزشکی - مجتمع بیمارستانی امام خمینی "ره" دانشگاه علوم پزشکی تهران

بدینوسیله به اطلاع می رساند به موجب رأی قطعی شماره ۹۸/۲۱۴/هـ/ت/ع مورخ ۹۸/۱۰/۱۷ هیأت تجدیدنظر رسیدگی انتظامی هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی ، درمانی تهران به احضار و اخطار شفاهی محکوم شده اید.

بدینوسیله رأی مذکور به شما ابلاغ می گردد.

روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی ، درمانی تهران

م الف ۴۴۳